

امنیت انرژی و روابط اتحادیه ی اروپا و کشورهای آسیای مرکزی

علی صباغیان^۱ - عباس سروستانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۲۴

چکیده

موقعیت ژئواکونومیک و میزان ذخائر و تولید نفت و گاز منطقه ی آسیای مرکزی در دو دهه ی گذشته باعث اهمیت روزافزون این منطقه ی در معادلات بین المللی شده است. به علاوه، وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر و همسایگی کشورهای آسیای مرکزی با کانون بحران های جهانی نظیر تروریسم، کشت و قاچاق مواد مخدر و بنیادگرایی، اهمیت ژئوپلتیکی این منطقه ی را دوچندان کرده و زمینه ی حضور قدرت های بزرگ را در منطقه ی یادشده فراهم آورده است. مناقشه های روسیه و اوکراین در سال ۲۰۰۸ و ۲۰۱۴ م. و قطع شدن گاز کشورهای اروپایی نیز مزید بر علت شده است و اتحادیه ی اروپایی را به جستجوی منابع جدید انرژی ترغیب کرده و به سمت گسترش ارتباطات با کشورهای آسیای مرکزی سوق داده است. دامنه ی این روابط به خصوص بعد از معاهده ی لیسبون که تلاشی بود برای انسجام و کارآمدی اتحادیه ی اروپایی در نظام بین الملل، گسترده تر و

۱. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. sabbaghian@ut.ac.ir

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای دانشگاه تهران. sarvestani.abbas@yahoo.com

عمیق تر شد. این معاهده نتایج قابل ملاحظه‌ای در گسترش ارزش‌های اروپایی و توسعه‌ی روابط خارجی اتحادیه‌ی اروپا با کشورهای در حال توسعه و به خصوص کشورهای نفت خیز آسیای مرکزی داشته است. مقاله‌ی حاضر به بررسی علل و زمینه‌ها و هم‌چنین نقش متغیر انرژی در همکاری اتحادیه‌ی اروپا و کشورهای آسیای مرکزی در دو دهه گذشته و نقش و تأثیر معاهده‌ی لیسبون بر گسترش و نهادینه شدن این روابط می‌پردازد. پرسش اصلی مقاله این است که آسیای مرکزی چه جایگاهی در امنیت انرژی اتحادیه‌ی اروپا دارد؟ در پاسخ به این پرسش، این فرضیه مطرح می‌شود که «استفاده‌ی سیاسی روسیه از ابزار انرژی به منظور فشار بر اتحادیه اروپا و هم‌چنین رشد روزافزون نیازهای اتحادیه‌ی اروپا به واردات منابع انرژی، شرایط را برای افزایش همکاری‌های اتحادیه‌ی اروپا و کشورهای آسیای مرکزی فراهم آورده است و در شرایط تیرگی روابط کشورهای اتحادیه‌ی اروپایی با روسیه، گسترش مناسبات میان اتحادیه و کشورهای آسیای مرکزی به تسهیل در روند فشار بر روسیه و افزایش قدرت چانه زنی اتحادیه اروپا در مقابل این کشور منجر خواهد شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد اتحادیه‌ی اروپا با آگاهی از وابستگی نامتقارن به انرژی روسیه و پیامدها و تهدیدهای امنیتی ناشی از آن در سال‌های اخیر درصدد برآمده است به وسیله‌ی ارتباط با کشورهای آسیای مرکزی و متنوع‌سازی منابع انرژی خود، این تهدیدات را کاهش دهد.

واژگان کلیدی: اتحادیه‌ی اروپا، پیمان لیسبون، آسیای مرکزی، نظام بین‌الملل، روابط اتحادیه‌ی اروپا و آسیای مرکزی، نابوکو، سوت استریم، امنیت انرژی.

مقدمه

موقعیت استراتژیک و اهمیت منطقه ی آسیای مرکزی به لحاظ منابع انرژی، موجب حضور مستمر و رقابت قدرت های منطقه ای و جهانی و شکل گیری بازی بزرگ^۱ از جمله اتحادیه ی اروپا در این منطقه ی شده است. سابقه ی استعماری و تاریخی گذشته ی برخی کشورهای اروپایی و منافع کنونی اتحادیه، باعث توسعه روابط آن با کشورهای آسیای مرکزی شده است. نخستین گام این روابط نهادی در اوائل دهه ۱۹۹۰م. به صورت بخشی و در قالب کمک های فنی و مشاوره ای جامعه اروپا^۲ به کشورهای آسیای مرکزی در زمینه تولید انرژی و استخراج نفت و گاز شکل گرفت و بر این اساس همکاری میان اتحادیه اروپا و کشورهای آسیای مرکزی به حوزه های انرژی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و محیط زیست، تسری^۳ یافت. تلاش اتحادیه ی اروپا برای کاهش آسیب پذیری در زمینه وابستگی به انرژی روسیه و افزایش قدرت چانه زنی در مقابل این کشور، موجب پررنگ شدن متغیر انرژی و امنیت آن در روابط اتحادیه ی اروپا و کشورهای آسیای مرکزی شده است. این مقاله تلاشی است تا دو دهه روابط اتحادیه ی اروپا و کشورهای آسیای مرکزی را با تکیه بر متغیر انرژی بررسی کند. پرسش اصلی مقاله این است که آسیای مرکزی چه جایگاهی در امنیت انرژی اتحادیه ی اروپا دارد؟ در پاسخ این فرضیه مطرح می شود که استفاده ی سیاسی روسیه از ابزار انرژی به منظور فشار بر اتحادیه اروپا و هم چنین رشد روزافزون نیازهای اتحادیه ی اروپا به واردات منابع انرژی، شرایط را برای افزایش همکاری های اتحادیه ی اروپا و کشورهای آسیای مرکزی فراهم آورده

۱. اصطلاح بازی بزرگ (Great game) در قرن نوزدهم به رقابت های امپریالیستی بین روسیه و بریتانیا در آسیای مرکزی اشاره داشت. در شرایط جدید دور تازه ای از این رقابت ها با حضور بازی گران جدیدی در منطقه ی و به واسطه ی سقوط شوروی و شکل گیری نوعی خلاء قدرت در این منطقه ی و تلاش بازی گران بیرونی برای بهره جستن از این خلاء به وجود آمده است. در «بازی بزرگ» جدید، رقابت میان بازی گران به صورت رودرویی مستقیم نیست بلکه به صورت «رویارویی الگوها» و «تقابل نقش ها» ظهور پیدا می کند. (برای مطالعه بیشتر ر.ک به دکتر پروین داد اندیش: گفتمان ژئوپلیتیک در آسیای مرکزی.)

2. European Community

3. Spill- Over

است و در شرایط تیرگی روابط کشورهای اتحادیه اروپایی با روسیه، گسترش مناسبات میان اتحادیه ی و کشورهای آسیای مرکزی، به تسهیل در روند فشار بر روسیه و افزایش قدرت چانه زنی اتحادیه ی اروپا در مقابل این کشور منجر خواهد شد. ساختار پژوهش به این صورت است که در آغاز یک چارچوب مفهومی در مورد امنیت انرژی و وابستگی متقابل روسیه و اتحادیه اروپا ارائه ، سپس امنیت انرژی اتحادیه ی اروپا و میزان نیاز این اتحادیه ی به انرژی‌های فسیلی (نفت و گاز) بررسی می شود. در قسمت‌های بعد نیز به ترتیب سیر تاریخی روابط انرژی میان آسیای مرکزی و اروپا، نیاز اروپا به انرژی آسیای مرکزی و مسائل پیرامون آن مورد بحث قرار می گیرند. در نهایت نیز نتایج و یافته‌های تحقیق ارائه می‌شوند.

چارچوب مفهومی: وابستگی متقابل نامتقارن

نظریه ی وابستگی متقابل ریشه در طرز تفکر انترناسیونالیستی دارد و ریشه ی فکری متأخر این نظریه را می توان در مطالعات مربوط به هم گرایی منطقه ای یافت. نظریه پردازان وابستگی متقابل بسیاری از نگرش های مربوط به نظریه ی هم گرایی منطقه ای را به طیفی از مسائلی که به وابستگی متقابل اقتصادی بین الملل مربوط می شود و در دهه ۱۹۷۰م مطرح شد، گسترش دادند. این نظریه جزء نظریه هایی است که در راستای پیوند دو سطح تحلیل خرد و کلان مطرح شده است. نظریه ی وابستگی متقابل نیز همانند دیگر نظریه ها دارای گزاره ها و مفروض های خاصی است که برای روشن شدن مفهوم آن گزاره ها در درون آن سامانه بایستی تعریفی مختصر از آن ارائه کرد. مفاهیم بنیادین این نظریه نیز عبارتند از: وابستگی متقابل، قدرت، هزینه، حساسیت، آسیب پذیری، تقارن و عدم تقارن.

مفاهیم بنیادین نظریه وابستگی متقابل

وابستگی متقابل: کوهن و نای وابستگی متقابل را به طور کلی رابطه ای ناشی از نیاز دو جانبه تعریف می کنند که تا حدودی آسیب پذیری دو جانبه نیز در بین بازی گران وجود دارد؛ در حالی که در وابستگی، روابط نامتقارن است. البته کوهن و نای با تعریف همبستگی متقابل به سود دو جانبه مخالفت می کنند و معتقدند در برخی موارد «یک وابستگی متقابل چنان نتایج منفی ممکن است به دنبال داشته باشد که هر دو طرف از گسست کامل رابطه، علیرغم منافی که ممکن است برایشان در پی داشته باشد ابراز خشنودی خواهند کرد (وحیدی راد، ۱۳۹۲: ۱۰).

قدرت: قدرت در نظام وابستگی متقابل هم چنان مرکز ثقل و مهم ترین عامل تأثیرگذار بر چانه زنی های سیاسی است. قدرت به زعم نظریه پردازان وابستگی متقابل عبارت است از احتمال موفقیت یک کنش گر اجتماعی در پیش برد مقاصد خود به رغم مقاومت سایر کنش گران است، صرف نظر از این که کنش گر قدرتمند از چه ابزارهایی به این منظور بهره می برد. کوهن و نای قدرت را توانایی کنترل منابع در مسیر دست یابی به اهداف خود دانسته اند (Keohane and Nye, 1987: 8).

تقارن و عدم تقارن: تقارن و عدم تقارن در نظریه ی وابستگی متقابل اشاره به درجه ی وابستگی دو طرف به هم دیگر دارد. وابستگی متقابل نامتقارن^۱ حاکی از شرایطی است که در آن یک طرف کاملاً وابسته به دیگری است در حالی که در رابطه متقارن هر دو طرف از شرایط وابستگی یکسانی برخوردارند (Ibid: 11).

آسیب پذیری و حساسیت:^۲ وابستگی متقابل نظریه ای است که بر اساس آسیب پذیری دو جانبه تعریف می شود که در صورت گسست هزینه های زیادی را به طرفین تحمیل می کند (وحیدی راد، ۱۳۹۲: ۱۲). حساسیت به میزان آسیب پذیری یک کشور از

1. asymmetrical interdependence
2. vulnerability and sensitivity

سیاست های کشور دیگر اشاره دارد و حساسیت نیز به این نکته دلالت دارد که کشورها تا چه اندازه می توانند با اتخاذ سیاست های مناسب خود را از رخدادهای جهانی دور نگاه دارند.

پیش فرض های وابستگی متقابل:

- ۱- رابطه ی معکوسی بین تعدد کانال های ارتباطی و نقش انحصاری دولت در نظام بین الملل وجود دارد؛
- ۲- وجود کانال های ارتباطی مختلف سبب کاهش خشونت در روابط می شوند؛
- ۳- در وابستگی متقابل اهداف دولت ها متنوع تر و مسائل رفاهی و اقتصادی بیشتر در دستور کار قرار می گیرند؛
- ۴- در روابط وابستگی متقابل نامتقارن، دولتی که کمتر وابسته است می تواند از این عدم تقارن برای چانه زنی بیشتر استفاده کند و ترس دولت ضعیف تر از بدتر شدن وضعیت منجر به تقویت این رابطه نابرابر می شود.

امنیت انرژی

ماهیت پیچیده و چند وجهی مفهوم امنیت انرژی^۱، رایج یک تعریفی دقیق و همگانی از آن را دشوار ساخته است. امنیت انرژی اصطلاحی جمعی است که بسیاری از نگرانی ها مرتبط با انرژی، رشد اقتصادی و قدرت سیاسی را پوشش می دهد (World Economic Forum.2006: 7). اگرچه بحث و اختلاف نظر در میان صاحب نظران بر سر تعریف امنیت انرژی و اجزای آن زیاد است اما یک تعریف عملی پذیرفته شده از این مفهوم، کفایت عرضه ی انرژی به قیمت معقول است. این تعریف نشان می دهد که در

دسترس بودن فیزیکی، توانایی و تنوع عرضه از اجزای اصلی مفهوم امنیت انرژی است (Haghighi, 2007: 1).

اتحادیه ی اروپا و امنیت انرژی

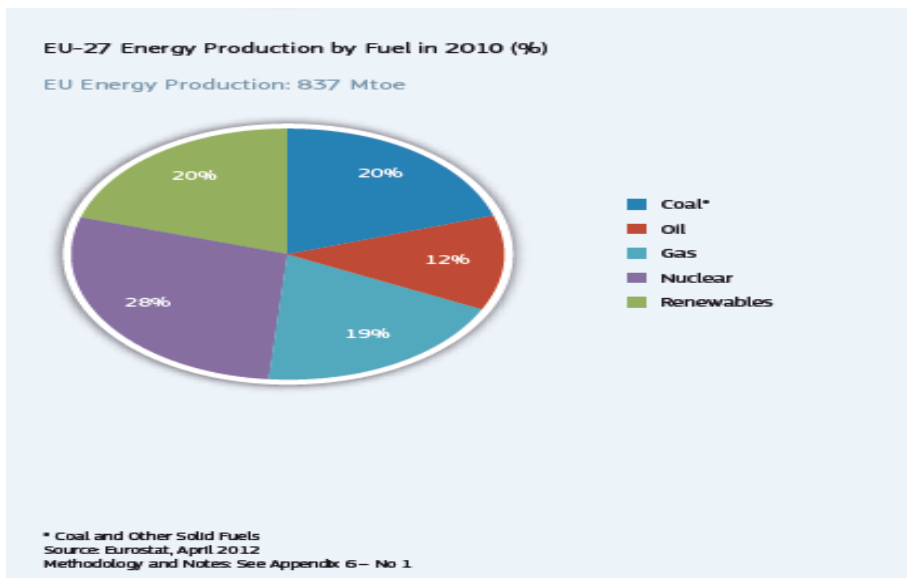
امنیت انرژی بر اساس تعریف کمیسیون اروپا عبارت است از مقرون به صرفه بودن اقتصادی، در دسترس بودن بدون وقفه همراه با احترام به نگرانی های زیست محیطی. هدف امنیت انرژی از منظر اتحادیه ی اروپا به حداکثر رساندن خودکفایی و به حداقل رساندن وابستگی نیست بلکه هدف آن کاهش خطرات مرتبط با وابستگی به انرژی است (Ibid: 15). بر اساس تعریف کمیسیون اتحادیه ی اروپا، عناصر امنیت انرژی شامل عرضه، تنوع در منابع انرژی، مراکز تقاضا، امنیت حمل و نقل و امکانات، جغرافیای سیاسی و ساختار بازار است؛ هم چنین امروزه ملاحظه های دیگری مانند رقابت جهانی برای منابع انرژی، سیستم های زیرساخت های انرژی، نگرانی های تغییر آب و هوا و نوآوری در فن آوری نیز به مفهوم امنیت انرژی اضافه شده است (Marcus, 2001: 71).

میزان تولید و وابستگی اتحادیه ی اروپا به انرژی

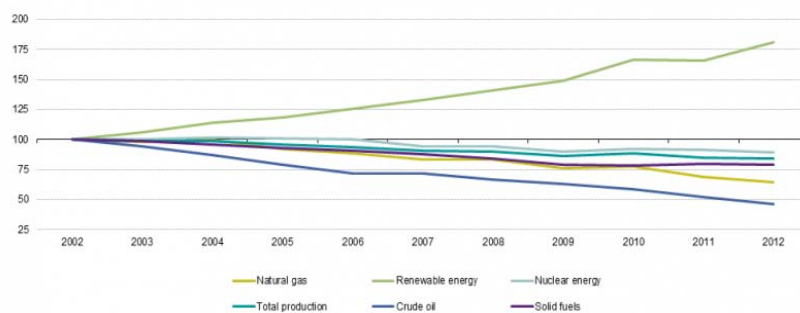
الف) وضعیت فعلی

میزان تولید انرژی اتحادیه ی اروپا در سال ۲۰۱۲ م. به مقدار ۷۹۴,۳ میلیون تن معادل نفت خام بوده که روند رو به کاهشی را در سال های اخیر تجربه کرده است. این میزان تولید انرژی طیف متنوعی از منابع انرژی را شامل می شود. انرژی هسته ای با ۲۸ درصد بیشترین منابع انرژی اتحادیه اروپا را تشکیل می دهد. تولید انرژی هسته ای به خصوص در کشورهای فرانسه، بلژیک و اسلواکی زیاد بوده است و بیش از نیمی از انرژی تولید شده این کشورها را تشکیل می دهد. یک پنجم (۲۰ درصد) کل تولید اتحادیه اروپا از طریق منابع تجدید پذیر و ۲۰ درصد از زغال سنگ تشکیل شده است. این در حالی است

که سهم گاز طبیعی از تولید انرژی اروپا معادل ۱۹ درصد و نفت خام معادل ۱۲ درصد است. (شکل یک)



شکل شماره ی یک



Source: Eurostat (online data codes: ten00076, ten00081, ten00080, ten00079, ten00078 and ten00077)

شکل شماره ی دو

در دهه ی گذشته تولید و مصرف انرژی های تجدید پذیر در اتحادیه ی اروپا رشد ۸۱ درصدی داشته و در مقابل تولید سوخت های فسیلی کاهش پیدا کرده است. شکل

شماره دو میزان رشد تولید منابع انرژی اتحادیه اروپا از سال ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۱۲. م را نشان می دهد.

میزان وابستگی اتحادیه اروپا به انرژی

رکود در تولید زغال سنگ، نفت خام، گاز طبیعی و اخیراً انرژی هسته ای باعث شد تا اتحادیه ی اروپا به طور فزاینده ای متکی به واردات انرژی شود. علی رغم گسترش استفاده از انرژی های نو و تجدید پذیر، بیش از ۷۶ درصد از منابع انرژی اتحادیه ی اروپا را سوخت های فسیلی از جمله نفت، گاز و زغال سنگ تشکیل می دهد. بر اساس آمارهای منتشر شده توسط مراکز معتبر تحقیقاتی، اتحادیه ی اروپا ۹۲۲٫۸ میلیون تن بر مبنای نفت خام، معادل ۵۲٫۸ درصد انرژی مورد نیاز خود را از کشورهای غیر عضو وارد می کند که این مسأله اتحادیه ی اروپا را در زمینه امنیت انرژی خود آسیب پذیری کرده است. (Eurostat, 2014)

شروع و تکامل روابط انرژی اتحادیه اروپا و کشورهای آسیای مرکزی

موقعیت استراتژیک و ذخائر عظیم نفت و گاز منطقه ی آسیای مرکزی، همواره توجه قدرت های بزرگ را به این منطقه جلب کرده است. فروپاشی شوروی و پدید آمدن خلاء قدرت در این منطقه ی موجب تشدید این امر و شکل گیری یک بازی بزرگ در این منطقه شده است. هر چند اتحادیه ی اروپا دیرتر از سایر بازی گران وارد این بازی بزرگ شده است اما مصرف روز افزون منابع انرژی توسط اتحادیه ی اروپا، گسترش اتحادیه ی اروپا به شرق و مناقشه روسیه و اوکراین در سال ۲۰۰۸. م که به قطع صادرات گاز روسیه به اتحادیه ی اروپا منجر شد باعث توجه جدی اتحادیه ی به منطقه ی آسیای مرکزی شد. در مجموع روابط اتحادیه ی اروپا و کشورهای آسیای مرکزی را می توان به چند دوره تقسیم کرد:

الف) سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ م: همکاری در قالب برنامه (TACIS)^۱

توجه اتحادیه ی اروپا پس از فروپاشی شوروی به سوی کشورهای آسیای مرکزی جلب شد. اولین گام جامعه ی اروپا^۲ برای ایجاد نوعی همکاری با کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی که دارای نهادهای شکننده و همواره در حال تغییر بودند، ارائه کمک های فنی به این کشورها در زمینه تولید نفت و گاز بود چرا که بخش انرژی از اهمیت بسزایی در روابط طرفین برخوردار بود (Frenz, 2010: 2). کشورهای اتحادیه ی اروپا برای دست یابی به امنیت اقتصادی به دنبال ایفای نقش بیشتری در تولید و انتقال انرژی بودند و کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی به منظور حفظ استقلال و رشد اقتصادی به افزایش تولید و صادرات نفت و گاز نیاز داشتند.

همکاری اتحادیه ی اروپا و کشورهای آسیای مرکزی از سال ۱۹۹۱ م در قالب برنامه ی کمک های فنی به کشورهای مستقل مشترک المنافع (TACIS) و در دو بخش بهره وری انرژی و امنیت هسته ای آغاز شد (25-26, 7-9, 1993: com). در اوائل دهه ی ۱۹۹۰ م، بخش انرژی در آسیای مرکزی از مشکلات فراوانی از جمله؛ مشکل تولید اولیه به دلیل دور بودن از منابع و کمبود سرمایه گذاری، ناکارآمدی تولید برق، مشکلات زیست محیطی و عدم کارایی و پر هزینه بودن بخش صنعتی برخوردار بود (Ibid.: 43-44). گرچه برنامه ی تأسیس با هدف رفع این نگرانی ها و آموزش و مشاوره به دولت ها در بخش صنعت شکل گرفت اما بدون اصلاح ساختار اجتماعی و اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی نه تنها برنامه تأسیس، بلکه هر نوع کمک های فنی دیگری با شکست مواجهه می شد. از این رو بخش قابل توجهی از بودجه ی برنامه ی تأسیس در نیمه ی اول سال ۱۹۹۰ م به تغییر ساختار شرکت های دولتی، تقویت بخش خصوصی و اصلاحات

1. TACIS (Technical Assistance to the Commonwealth of Independent States)

2. European Community

تخصیص یافت. در قالب این برنامه تا سال ۱۹۹۵م. مؤسسات آموزشی مختلفی تشکیل دادند و نوسازی شبکه های انرژی را به شکلی پایدار آغاز کردند (Ibid: 45).

ب) سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰م: همکاری در شبکه انرژی بر مبنای قانونی دایمی

در اوائل سال ۱۹۹۵م، برنامه ی تأسیس که با هدف ارایه ی کمک های فنی و بازسازی خطوط تولید و انتقال نفت و گاز فرسوده این کشورها که از شوروی سابق به ارث رسیده بود، مورد بهره برداری قرار گرفت و به انتقال انرژی این مناطق به کشورهای اروپایی منجر شد. این برنامه به کشورهای تازه استقلال یافته ی آسیای مرکزی که پس از فروپاشی شوروی در رکود اقتصادی و بی ثباتی سیاسی به سر می بردند، کمک کرد تا در چارچوب یک اقتصاد بازار محور و مطابق استانداردهای جهانی نسبت به مدرن سازی ساختار اقتصادی خود و خروج از رکود اقتصادی اقدام کنند. در این شرایط جذب سرمایه گذاری خارجی، توسعه زیرساخت ها و مسیرهای جدید حمل و نقل و صادرات نفت و گاز از نیازهای حیاتی کشورهای آسیای مرکزی بود. نبود نهادها و سازمان های کارآمد برای مدیریت روابط تجاری، عدم تمایل برای همکاری های منطقه ای باعث شد تا در چارچوب برنامه ی تأسیس، در آغاز کنفرانسی با حضور تمامی کشورهای آسیای مرکزی برگزار و در آن مدیریت خطوط لوله نفت و گاز بررسی شود. به عبارت دیگر هدف فاز دوم برنامه ی تأسیس که از اوائل ۱۹۹۵م. آغاز شد، طراحی یک برنامه ی کاری بود که به تأیید تمامی کشور های این منطقه ی برسد.

بحث و مذاکره در این کنفرانس منجر به یک توافق شد که بر اساس آن بازسازی و نوسازی سیستم انتقال گاز و نفت و محصولات تصفیه شده و هم چنین ارزیابی گزینه های جایگزین برای انتقال انرژی از دریای خزر به بازارهای غربی در اولویت قرار گرفت.

(inogate, 2004) پس از آن در اواخر سال ۱۹۹۶م. پروژه ی بتون^۱ برای بازسازی خطوط نفت و گاز منطقه ای و هم چنین امکان سنجی خط لوله ترانس دریای خزر پیشنهاد شد. این پروژه یکی از طولانی ترین برنامه های فنی اتحادیه ی اروپا به منظور نوسازی و تجهیز خطوط نفت و گاز کشورهای آسیای مرکزی بود و بودجه ی آن در قالب برنامه همسایگی اروپا و مشارکت ابزار^۲ تأمین می شد (baghat, 2005: 22-25). گرچه این پروژه از سال ۱۹۹۶م. آغاز شد اما در طول دهه ی ۹۰م. به دلیل اختلافاتی که با ترکمنستان و تاجیکستان و به خصوص به دلیل جنگ داخلی تاجیکستان و نگرانی های پارلمان اروپا از وضعیت حقوق بشر در کشورهای آسیای مرکزی، مذاکرات در این باره از سال ۲۰۰۳م. آغاز و در سال ۲۰۰۹م. پایان یافت و پروژه همسایگی اروپا و مشارکت ابزار از اول ژانویه ۲۰۱۰ اجرائی شد (COM, 2010: 693).

ج) سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴م: افزایش تمرکز روی آسیای مرکزی

در سال ۲۰۰۰م. اتحادیه ی اروپا تشخیص داد که آسیای مرکزی دارای فرصت های بالقوه متنوعی برای اتحادیه است. کمیسیون اروپا کتاب سبز برای امنیت انرژی را در نوامبر ۲۰۰۰م. تدوین و بر اساس آن اتحادیه ی اروپا می بایست برای تنوع بخشی منابع نفت و گاز خود در منطقه ی آسیای مرکزی اقدام کند. پس از حوادث ۱۱ سپتامبر نیز به دلائل امنیتی مبارزه با تروریسم و روابط این کشورها با افغانستان، منافع اتحادیه اروپا در آسیای مرکزی به اوج خود رسید (Emerson, 2010: 9). همکاری های امنیتی کشورهای آسیای مرکزی و اتحادیه ی اروپا پس از ۱۱ سپتامبر به سایر حوزه ها نیز تسری پیدا کرد. برای مثال بین سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴م. اتحادیه ی اروپا در چارچوب برنامه ی تأسیس، ۱۵۰ میلیون

۱. پروژه بتون (concrete projects) که بعداً با عنوان (INOGATE) شناخته شد، یک برنامه همکاری بین اتحادیه ی اروپا و دولت های ساحلی حاشیه دریای سیاه و دریای خزر در زمینه انرژی بود که از سال ۱۹۹۶ عملیاتی شد.

1. (PCAs) Partnership and Cooperation Agreements

یورو به این منطقه کمک کرد (Young, 2009: 110 and Cohen, 2009: 118). این کمک ها غالباً در قالب کمک های بشر دوستانه و توسعه ی زیرساخت های مرزی این کشورها - که تأثیر مستقیمی بر امنیت عمومی و امنیت انرژی اتحادیه اروپا داشت - ارایه شد (EC Strategy Paper, 2002: 6).

اولویت کمک های اتحادیه ی اروپا به کشورهای آسیای مرکزی طی سال های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶م، روی امنیت انرژی متمرکز شده بود. بهبود وضع تجارت و سرمایه گذاری در بخش انرژی، کمک های فنی برای اصلاح سیاست انرژی، نظارت بر شبکه های انتقال گاز و سایر کمک های فنی از اولویت های اتحادیه اروپا در این زمان بود (Ibid.: 21). علاوه بر برنامه ی تأسیس، در سال ۲۰۰۴م، طرح ابتکار باکو که با حضور وزرای انرژی این اتحادیه ی در باکو برگزار شد به کمیسیون اروپا این امکان را داد تا به ارتقاء استانداردهای فنی و قانونی در منطقه، نوسازی زیرساخت ها و بهبود بهره وری انرژی و ایجاد بازار مشترک انرژی مطابق استانداردهای اتحادیه ی اروپا و نهادهای بین المللی پردازد (Baghat, 2006: 971).

د) سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸م: امنیت انرژی محرک سیاست اتحادیه ی اروپا

در جولای ۲۰۰۵، اتحادیه ی اروپا اولین نماینده ی ویژه خود را که هدف اصلی آن ارتقاء نهادهای دموکراتیک بود به آسیای مرکزی فرستاد. چند ماه پس از این انتصاب، یک بحران سیاسی در ازبکستان روی داد و نیروهای دولتی به روی تظاهر کنندگان آتش گشودند. در این زمان اتحادیه ی اروپا از طریق تعلیق پروژه PCA و تعلیق تفاهم نامه انرژی با ازبکستان^۱، قزاقستان و آذربایجان به این اقدام پاسخ داد (Young, 2009: 121). با این حال شرایط در آسیای مرکزی به ضرر اتحادیه ی اروپا رقم می خورد. اقدامات سایر قدرت ها در آسیای مرکزی در حال انجام بود. در اواخر سال ۲۰۰۵ م خط لوله ای به طول ۱۰۰۰

1.(MOU) Memorandum of Understanding

کیلومتر که نفت ازبکستان را به چین انتقال می‌داد، افتتاح شد. در همین سال اختلافات میان روسیه و اوکراین بر سر شرایط انتقال گاز روسیه تشدید یافت و نهایتاً به قطع صادرات گاز روسیه به اتحادیه ی اروپا در اول ژانویه ۲۰۰۶ م منجر شد. (BBC, 2005) بر خلاف ادعای روسیه مبنی بر عدم تأثیر قطعی گاز بر اتحادیه ی اروپا، افت فشار و قطعی گاز در اتحادیه ی اروپا تأثیر جدی داشت و باعث شد تا اتحادیه ی اروپا در مورد امنیت انرژی خود تجدید نظر و تنوع منابع انرژی خود در آسیای مرکزی را در دستور کار قرار دهد. (Piebalgs, 2006: 2) در مارس ۲۰۰۶، کتاب سبز اروپا که از مناقشه روسیه و اوکراین الهام گرفته بود، تنوع منابع انرژی و دسترسی به گاز طبیعی به عنوان بیشترین نیاز اتحادیه ی اروپا را در اولویت قرار داد. این کتاب خط لوله گاز مستقل دریای خزر به اتحادیه ی اروپا را یکی از راه های تنوع بخشی منابع انرژی اروپا بر می شمرد و بیان می کند که گرچه آسیای مرکزی تاکنون به خاطر مسائل امنیتی افغانستان برای اتحادیه ی اروپا اهمیت داشت اما اکنون امنیت انرژی باید محرک سیاست اتحادیه ی اروپا در آسیای مرکزی باشد. (Young, 2007: 3)

مذاکرات مارس ۲۰۰۶ باعث تحولات مهمی در منطقه ی آسیای مرکزی شد. در آوریل ۲۰۰۶، نیازف رئیس جمهور پیشین ترکمنستان یک قرارداد برای انتقال گاز ترکمنستان به غرب امضاء کرد و انحصار روسیه در صادرات گاز ترکمنستان را شکست. یک ماه بعد خط لوله باکو-تفلیس-جیحون^۱ افتتاح شد. این مسیر برای اولین بار مقدار زیادی انرژی را از طریق دور زدن روسیه به اروپا انتقال می‌داد و هم چنین مسیر دسترسی اتحادیه ی اروپا به منابع نفتی دریای خزر را نیز باز کرد. هم چنین در ماه می آذربایجان و قزاقستان قراردادی برای ساخت خط لوله زیر دریای خزر و اتصال آن به خط باکو امضاء کردند. پیش بینی شد در اواخر سال ۲۰۰۶ م خط لوله باکو-تفلیس-ارزروم و یا خط لوله

1.(BTC) Baku-Tbilisi-Ceyhan

جنوبی به موازات خط لوله باکو- تفلیس - جیحون، گاز آذربایجان را به ترکیه و از ترکیه به اروپا انتقال دهد. (Ibid, 2009: 102) با توجه به نقش مهم کشورهای قزاقستان و آذربایجان در تأمین امنیت انرژی اروپا، این اتحادیه یادداشت تفاهم همکاری با این دو کشور و برنامه سیاست انرژی اروپا را با آذربایجان در اواخر سال ۲۰۰۶ م امضاء کرد. هماهنگ سازی قوانین و مقررات و رعایت استانداردهای برق و گاز، محور کلیدی هر سه توافق نامه بود. (ec.europa, 2006)

استراتژی نگاه به آسیای مرکزی نیز که در اواخر ژوئن ۲۰۰۷ در شورای اروپا تصویب شد، توسعه و ثبات سیاسی، جامعه باز و پیوستن به هنجارهای بین المللی را پیش شرط های ضروری برای همکاری بین اتحادیه ی اروپا و آسیای مرکزی برمی شمرد. این استراتژی از طریق برنامه کمک های کمیسیون اروپا تا ۲۰۱۳ م حمایت می شد. در این دوره کمک های کمیسیون اروپا نسبت به سال های گذشته ۲ برابر شد و ۳۰ درصد از بودجه ۷۵۰ میلیون یورویی برنامه توسعه و ابزار مشارکت^۱ به تسهیل همکاری بین کشورهای منطقه به خصوص در زمینه انرژی اختصاص یافت. (Boonstra, 2008: 2)

وابستگی اتحادیه اروپا به منابع انرژی خارجی و نیاز کشورهای آسیای مرکزی به جذب سرمایه برای توسعه زیرساخت ها و همکاری در بخش انرژی را ناگزیر ساخت. اتحادیه ی اروپا برای تأمین امنیت انرژی خود سعی در هم گرائی بازارهای انرژی بر اساس اصول داخلی اتحادیه اروپا، رسیدگی به مسائل صادرات و واردات انرژی، تنوع بخشی منابع، شفاف سازی و ظرفیت سازی دولت ها در بخش انرژی، توسعه و بهره وری انرژی، مدیریت تقاضا و استفاده از منابع تجدید پذیر، جذب سرمایه برای پروژه های انرژی و هم چنین توسعه و بازسازی خطوط لوله موجود و ایجاد شبکه های جدید در منطقه ی به سمت اروپا را داشت. (Ibid, 2008: 18)

1. (DCI) Development Cooperation Instrument

۵) سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ م: منازعه‌ی بزرگ بر سر خطوط لوله‌ی گاز

در اوائل سال ۲۰۰۸ م، منازعه‌ی میان روسیه و اوکراین، مجدداً باعث کاهش صدور گاز روسیه به اروپا شد. این اتفاق بار دیگر نگاه‌ها را در اتحادیه‌ی اروپا متوجه آسیای مرکزی کرد. در ژوئن ۲۰۰۸، یعنی یک سال پس از تصویب استراتژی نگاه به آسیای مرکزی، گزارش فعالیت‌های صورت گرفته در این باره منتشر شد. در این گزارش آمده است که اتحادیه‌ی اروپا در یک سال گذشته ملاقات در سطح سران را ادامه داده است و اتحادیه‌ی اروپا و آسیای مرکزی، علاوه بر انرژی، چالش‌ها و فرصت‌های مشترک از جمله تهدیدات سیاسی- نظامی، مدیریت مرزی، قاچاق انسان و مواد مخدر را به عنوان سنگ بنای روابط طرفین قرار داده‌اند. هم‌چنین گزارش در ادامه می‌افزاید که این استراتژی هیچ دستاوردی در زمینه ارتقاء حقوق بشر و دموکراسی نداشته است (Eeas.europa, 2008). منتقدان این گزارش اظهار داشتند رقبای انرژی اتحادیه‌ی اروپا (روسیه و چین) همکاری با کشورهای آسیای مرکزی را مشروط به رعایت حقوق بشر نکردند در حالی که اتحادیه اروپا در یک سال گذشته مشغول مذاکره و رایزنی با نهادهای مدنی بوده و اقدام مؤثری برای تقویت روابط اتحادیه‌ی اروپا و آسیای مرکزی انجام نداده است و هیچ اقدام قابل ملاحظه‌ای برای انتقال گاز آسیای مرکزی از طریق دور زدن خط لوله روسیه انجام نشده است. (Boonstra, 2010: 2)

جنگ اوت ۲۰۰۸ گرجستان، بار دیگر شکنندگی امنیت انرژی اتحادیه اروپا را نشان داد و هر دو خط لوله باکو- تفلیس- جیحون و باکو سوپسا که در قلمرو گرجستان در حال اجرا بودند به علت درگیری متوقف شدند. پس از این اتفاق، اتحادیه اروپا مجدداً به ارزیابی امنیت انرژی خود پرداخت. این جنگ در اتحادیه اروپا، شک و تردید در مورد پروژه نابوکو را بالا برد و در نشست وزرای اتحادیه اروپا و آسیای مرکزی در سپتامبر ۲۰۰۸ در پاریس در مورد امنیت انرژی به صورت جدی بحث شد و بار دیگر حقوق بشر

و دموکراسی کنار گذاشته شد (euobserver, 2008). در واقع این جنگ به اتحادیه ی اروپا فشار آورد تا استراتژی دوم خود در مورد امنیت انرژی که شامل توسعه ی زیرساخت ها و ارتباطات، مکانیسم های مناسب واکنش به بحران ها، تنوع مسیرها و منابع، استفاده از کریدور جنوبی برای انتقال گاز دریای خزر و آسیای غربی به اروپا را بررسی کند. در اوائل سال ۲۰۰۹م نیز مانند سال های گذشته، انتقال گاز روسیه به اروپا با مشکل مواجه شد. قطعی گاز سال ۲۰۰۹م بر خلاف سال های گذشته و در یکی از سردترین زمستان های اروپا به مدت دو هفته طول کشید.

پس از این بحران، بارسو رئیس کمیسیون اتحادیه ی اروپا بیانیه ای به منظور توسعه ی سریع زیرساخت ها و تنوع بخشی به منابع انرژی صادر کرد. پس از آن در نشست کریدور جنوبی که با حضور سران اتحادیه ی اروپا و آسیای مرکزی در ماه می ۲۰۰۹ در پراگ که بدون حضور سران کشورهای قزاقستان و آذربایجان برگزار شد، عبدالله گل قول داد که پروژه فراملی نابوکو تا ماه ژوئن به پایان برسد اما رایزنی های روسیه و علاقه مندی برخی کشورهای اروپایی در مورد پروژه جریان جنوب^۱ که دسترسی به منابع حیاتی گاز آذربایجان را در دسترس تر قرار می داد، ادامه یافت. در ژوئن ۲۰۰۹ پروژه نابوکو توسط چهار کشور ترانزیتی اروپا و ترکیه امضاء شد؛ چند روز بعد بلغارستان نیز پروژه نابوکو را امضا و پروژه جریان جنوب را متوقف کرد. با وجود این موفقیت ها هنوز معلوم نبود که آیا ترکیه می تواند از طریق پروژه نابوکو گاز را انتقال دهد و این که حجم گاز انتقالی از نابوکو چقدر است، در ابهام بود. (Euractiv, 2009)

یک ماه بعد، روسیه با ترکیه قراردادی امضا کرد که اجازه می داد پروژه جریان جنوب از آب های این کشور بگذرد. این حرکت توسط کمیسیون انرژی اروپا کم اهمیت جلوه داده شد و مانعی برای پروژه نابوکو به حساب نیامد. سپس آذربایجان و قزاقستان

1. South Stream project

طرح خط لوله باکو- دریای سیاه را اعلام و یک توافق نامه برای اجرای آن امضاء کردند. در اواخر سال ۲۰۰۹ م. روشن تر شد که چین و روسیه در حال پیشرفت مداوم در آسیای مرکزی هستند و خط لوله مستقیمی که گاز ترکمنستان را به چین انتقال می داد، افتتاح شد و فرانسه نیز اعلام کرد که تصمیم به پیوستن به پروژه ی جریان جنوب روسیه گرفته است و مذاکرات کریدور جنوب غیر فعال باقی ماند. (EUobserver, 2009)

(و) سال ۲۰۱۰ م. تا کنون

در ژانویه ۲۰۱۰، کنفرانس عظیم کریدور جنوبی در شهر باتومی گرجستان و با حضور کشورهای اروپا، آسیای مرکزی و کشورهای حاشیه دریای خزر برگزار شد. گرچه این کنفرانس دستاوردی موفق نداشت اما تردیدی جدی در مورد پروژه نابوکو، توانایی جذب گاز از کشورهای آذربایجان، ترکمنستان و شمال عراق و به صرفه بودن آن از لحاظ اقتصادی به وجود آورد (Ec.europa, 2010). در مارس ۲۰۱۰ پروژه نابوکو توسط همه اعضا از جمله ترکیه امضا و چارچوب قانونی برای استقرار خط لوله در محل فراهم شد. و از شرکت انی ایتالیا، شریک اصلی روسیه در پروژه جریان جنوبی خواسته شد تا با ادغام پروژه نابوکو و جریان جنوب آن را از لحاظ اقتصادی به صرفه تر کند. که این اقدام با مخالفت روسیه مواجه شد. ۲ ماه بعد، در ماه ژوئن توافق نامه ای مبنی بر انتقال ۱۱ میلیارد متر مکعب گاز آذربایجان به ترکیه امضاء کردند (Yinanc, 2010: 1). این رقابت داخلی بین اعضای کریدور جنوبی برای دست یابی به منابع گازی، خوشایند اتحادیه ی اروپا که امیدوار بود این حجم گاز منبع تغذیه خط لوله کریدور جنوبی را فراهم آورد، نبود. از آن طرف نیز اختلاف روسیه و بلغارستان بر سر پروژه جریان جنوبی بالا گرفت و اتحادیه اروپا نیز در حال مذاکره با قزاقستان برای پیوستن به پروژه نابوکو بود. در همین زمان

تخصیص بودجه ۴ میلیارد دلاری به پروژه نابوکو توسط بانک سرمایه گذاری اروپا^۱ و بانک اروپایی توسعه و نوسازی^۲ و بانک جهانی^۳ انگیزه جدیدی به اعضای این پروژه داد. (Euobserver, 2010) این خبر باعث شد تا ترکمنستان اعلام کند که ظرفیت گاز خود را تا ۲۰ سال آینده ۴ برابر می کند و هم چنین به همراه آذربایجان آماده پاسخ گویی به تقاضاهای اروپاست (Euractiv, 2010).

کمیسون اروپا در ۲۸ می سال ۲۰۱۴ در پاسخ به بحران سیاسی اوکراین و نیاز شهروندان و اقتصاد اتحادیه اروپا به یک منبع پایدار و فراوان انرژی، یک استراتژی امنیت انرژی بر اساس میزان وابستگی کشورهای عضو به انرژی منتشر کرده است.

روابط اتحادیه ی اروپا و آسیای مرکزی بعد از معاهده ی لیسبون

علی رغم برنامه ریزی و نظارت های قابل توجه اتحادیه ی اروپا به منظور دست یابی به یک سیاست واحد انرژی، عملاً تا سال ۲۰۰۹ م. توفیق چندانی حاصل نشد. بر اساس معاهده ی لیسبون، تلاش شد از طریق ایجاد تغییراتی در ایجاد صندوق انرژی اتحادیه ی اروپا، افزایش همکاری میان کشورهای عضو اتحادیه و ایجاد یک پیمان واحد انرژی که تمامی مؤلفه ها را در یک چارچوب قانونی قرار دهد، مبنای جدیدی برای سیاست انرژی اتحادیه ی اروپا فراهم شود.

بر اساس پیمان لیسبون، افزایش همکاری میان کشورها در زمینه انرژی می تواند ابتدا از همکاری عملی و داوطلبانه برخی کشورها و در زمینه مسائل خاص مانند اتخاذ سیاست واحد تجاری، تصویب استانداردهای مشترک، هماهنگی در سرمایه گذاری آغاز و به سوی یک نوع شنگن انرژی^۴ پیش رود. درحقیقت پیمان لیسبون شناخت

1. (EBI)European Investment Bank

1.(EBRD)European Bank for Reconstruction and Development

2.(WB) World Bank

3. Schengen for energy

اتحادیه ی اروپا از خود به عنوان یک بازی گر انرژی را افزایش داد و موجب افزایش تعهد اعضای اتحادیه به سیاست واحد انرژی شد. (Wouters, 2011: 47)

طبق پیمان لیسبون قانون اساسی اروپا که با مخالفت های هلند و فرانسه رد شده بود، تغییر یافت و از ترکیب بخش های از شورا و کمیسیون و شکل گیری پست نماینده عالی اتحادیه^۱ اروپا برای انسجام بخشی به اقدامات خارجی اتحادیه شکل گرفت. درحقیقت نمایندگی عالی اتحادیه، روابط مجزای اقتصادی و سیاسی را به هم پیوند زده و باعث ایجاد ثبات بیشتری در عرصه ی تصمیم گیری اقدامات خارجی اتحادیه اروپا شده است اما در زمینه سیاست انرژی به نظر می رسد در شرایط عادی تأثیری بر سیاست انرژی اعضای اتحادیه ندارد و تنها در مواقع بحرانی تمامی اعضا از تصمیمات نماینده عالی پیروی می کنند (Grevi & Cameron, 2005: 3). به عبارت دیگر تا زمانی که عرصه ی انرژی یک موضوع صرفاً اقتصادی است به حوزه ی وظائف نماینده عالی مربوط نیست اما در مواقع بحرانی نظیر قطع شدن گاز که این مسأله وارد حوزه سیاسی و امنیتی مشترک اتحادیه می شود، اتخاذ تصمیمات و سیاست های انرژی مربوط به نماینده ی عالی می شود.

چند مانع کلیدی در روابط اتحادیه ی اروپا و آسیای مرکزی

روابط اتحادیه ی اروپا و آسیای مرکزی به عنوان مکمل هم، هنوز هم در حال شکل گیری است. اتحادیه ی اروپا برای تنوع بخشی به منابع انرژی خود نیاز به نفت و گاز آسیای مرکزی دارد و آسیای مرکزی نیز برای توسعه زیر ساخت ها خود نیاز به مشتری برای عرصه ی انرژی خود دارد. با این حالی موانعی وجود دارد که مانع توسعه و پایداری روابط اتحادیه ی اروپا و آسیای مرکزی می شوند که عبارتند از:

1.High Representative

۱- شروع روابط اتحادیه ی اروپا و آسیای مرکزی به دلیل تمایل بخشی از اعضای اتحادیه برای تنوع بخشی به منابع انرژی و کاهش وابستگی به انرژی روسیه - به ویژه پس از بحران سال های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ م. - به وجود آمد پس از دست یابی به این هدف دلایل محکمی برای پایبند بودن اتحادیه ی اروپا به این روابط نیست (Wood, 2009: 619)؛

۲- یکی از اهداف مهم اتحادیه ی اروپا، تلاش برای ترویج حقوق بشر، توسعه ی دموکراسی و حاکمیت قانون در منطقه است و این تلاش های اتحادیه ی اروپا به دلیل موازنه ی استراتژیک با سیر قدرت ها در منطقه هنوز مؤثر نبوده است و این که اتحادیه ی اروپا تا چه اندازه می تواند این دو هدف متضاد را آشتی دهد، جای ابهام است (Young, 2004: 615-620)؛

۳- عدم انسجام در سیاست خارجی اتحادیه ی اروپا، در حوزه انرژی نیز به وضوح مشهود است و این عدم هماهنگی و وحدت رویه یکی از مهم ترین دلایل موفق نبودن سیاست های اتحادیه ی اروپا در آسیای مرکزی محسوب می شود؛

۴- مسأله ی عدم انسجام در سیاست خارجی باعث شده است تا عده ای از صاحب نظران به این نتیجه برسند که اتحادیه ی اروپا نیاز به اتخاذ یک سیاست انرژی واحد برای هدایت سیاست خارجی دارد و در معاهده ی لیسبون و پیمان انرژی^۱ تلاش شده است تا با اتخاذ سیاست واحد انرژی به سیاست خارجی نیز انسجام داده شود.

نتیجه گیری

امروزه مسأله ی تأمین امنیت انرژی از مهم ترین دغدغه های کشورهای وابسته به واردات انرژی از جمله اتحادیه ی اروپا به شمار می رود. سهم عمده ای از واردات نفت و گاز اروپا از طریق روسیه تأمین می شود. با توجه به استفاده مکرر روسیه از ابزار انرژی برای فشار بر اتحادیه ی اروپا، کشورهای عضو این اتحادیه در صدد تنوع بخشی به منابع تأمین

1. Energy Treaty

انرژی خود هستند. راهبرد انرژی روسیه در قبال اتحادیه ی اروپا در کنار اهداف اقتصادی دارای اهداف امنیتی است؛ روسیه در چارچوب نظریه ی وابستگی متقابل، تلاش می کند با حفظ و حتی افزایش وابستگی اروپا به انرژی، ضریب امنیت ملی اش را افزایش و جایگاه و نقش آفرینی روسیه در نظام بین الملل را ارتقاء دهد. در مقابل اتحادیه ی اروپا نیز با آگاهی از وابستگی نامتقارن به انرژی روسیه و پیامدها و تهدیدهای امنیتی ناشی از آن، درصدد برآمده است با ارتباط با کشورهای آسیای مرکزی و متنوع سازی منابع انرژی خود، این تهدیدها را کاهش دهد. از جمله مناطقی که در موقعیت جغرافیایی مناسبی نسبت به اروپا قرار دارند، آسیای مرکزی است. این منطقه ۲،۳٪ از ذخایر نفت جهان و ۱۴٪ ذخایر گاز جهان را در خود جای داده است. پس از استقلال کشورها آسیای مرکزی از مسکو تاکنون کشورهای اروپایی حضور قابل توجهی در طرح های نفت و گاز آن ها داشته اند و پروژه های مختلفی جهت مهیا کردن مسیرهای انتقال نفت و گاز تولیدی این کشورها به سمت بازارهای مصرفی اروپا انجام داده اند. کشورهای اروپایی نمی خواهند بیشتر وارداتشان از یک کشور صورت گیرد، بنابراین تمایل دارند بخشی از واردات آینده خود را از آسیای مرکزی و حوزه دریای خزر، ایران و قطر تأمین کنند؛ تا هم شرایط تأمین مطمئن گاز فراهم و هم قیمت گاز رقابتی شود و بهترین و در دسترس ترین گزینه ی مطرح برای تأمین کسری گاز اروپا در حال حاضر منطقه ی آسیای مرکزی است.

منابع

وحیدی راد، میکائیل (۱۳۹۲) «نظریه وابستگی متقابل و کاربست آن در تاریخ معاصر ایران»،
خردنامه، شماره ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۹۲.

- A. Frenz (2010) "The European Commission's TACIS Program 1991-2006 – A Success Story" Available at:
http://ec.europa.eu/europeaid/where/neighbourhood/regional-cooperation/enpi-east/documents/annual_programmes/tacis_success_story_final_en.pdf.
- Andris, Piebalgs (2006) "EU Energy Commissioner Speaking Notes welcoming the agreement between Gazprom and Naftogaz". Joint Press Conference with Mr. Bartenstein, Austrian Federal Minister for the Economy and Labor, Brussels, 4 January 2006, p. 2.
- B. Yinanc (2010) "Turkey ratifies Nabucco agreement", now must agree with Baku, Hurry yet Daily News, 5 March 2010. Available at:
<http://www.hurriyetdailynews.com>
- Bagha, Gadat. G (2005) "EU seeks energy security in stronger supplier ties", in *Oil and Gas Journal*, vol. 103, issue 38, 10 October 2005
- Barbieri, R.(2011) "Energy Security: The Diplomacy of South Korea in Latin America", University of California, Los Angeles, International Institute, Los Angeles, California, (August 2011) available at:
http://www.international.ucla.edu/media/files/Rita_Barbieri_SRG-h3-4zo.pdf
- BBC News," Putin admits Ukraine gas crisis", 29 December 2005. Available at: <http://news.bbc.co.uk/2/hi/business/4567270.stm>
- "BP Statistical Review of World Energy", 2012, at bp.com/statistical-review.
- COM (2010) "693 final, supra note 39", interview with several officials from European Parliament Directorate-General External Policies, 5 March 2010.
- EC Strategy Paper 2002-2006 and Indicative Program 2002-2004 for Central Asia, supra note 10, p. 6.
- EU observer, China beats EU in race for Turkmen gas, 15 December 2009. Available at: <http://euobserver.com/884/29158>.
- EU observer, EU banks throw their weight behind Nabucco pipeline, 6 September 2010. Available at: <http://euobserver.com/880/30739>.
- EU observer, Human rights take back seat at EU-Central Asia talks. 19 September 2008. Available at: <http://euobserver.com/9/26778>.
- Euractiv, "Bulgaria gets cold feet over South Stream", 14 July 2009. Available at: <http://www.euractiv.com/en/energy/bulgaria-gets-cold-feet-south-stream/article-184086>. Accessed on 2 December 2010.

- Euractiv, "Turkmenistan claims huge gas reserves, to supply Europe", 1 October 2010. Available at:
<http://www.euractiv.com/en/energy/turkmenistan-claims-huge-gas-reserves-supply-europe-news-498347>.
- European Commission (1993) "TACIS (Technical Assistance Program to the former republics of the Soviet Union) Annual Report from the Commission – 1991 and 1992".
- European Commission (1995) "Report from the Commission: TACIS 1993 Annual Report", final of 23 March 1995.
- G. Baghat, (2006), "Europe's energy security: challenges and opportunities", *International Affairs* 82(5), p. 971.
- G. Grevi and F. Cameron, (2005), "Towards an EU Foreign Service", *Issue Paper* 29. Brussels: European Policy Centre (EPC), p. 3.
- "GREEN PAPER: A European Strategy for Sustainable", Competitive and Secure Energy, Commission of the European Communities, Brussels, 8. 3. 2006, p.19-20, at: <http://www.europa.eu>.
- "GREEN PAPER: towards a European strategy for the security of energy Supply", EUROPEAN COMMISSION, November 2000, P. 4, at: <http://ec.europa.eu>.
- Haghighi, S, (2007) *Energy Security. The External Legal Relations of the European Union with Major Oil –and Gas– Supplying Countries* (Oxford, United Kingdom; Hart Publishing, 2007) p. 14
- "Interstate Oil and Gas Pipeline Management", Final Report, p.p.2-6, Available at:
http://www.inogate.org/inogate_programme/about_inogate/inogate_programme/inogate_projects/pre-2004-projects/interstate-oil-gas-pipeline-management.
- J. Boonstra, (2008), "Supra notes 17", p. 2. From 2007 onwards, the Central Asian States were split under the EU's new budgetary structures.
- J. Boonstra, (2010) "The EU-Turkmenistan energy relationship: difficulty or opportunity?" EDC 2020 *Policy Brief*, p. 2;
- Jan, Wouters (2011), "Central Asia and the EU drive toward energy diversification", working paper NO. 64 - JUNE 2011, p.47, available at: www.globalgovernancestudies.eu.
- "Joint Progress Report by the Council and the European Commission to the European Council on the implementation of the EU Central Asia Strategy", 24 June 2008, p. 2. Available at:
http://www.eas.europa.eu/central_asia/docs/progress_report_0609_en.pdf.

- Key Figure, “Market Observatory for Energy, European Commission”, June 2011, P. 6, at:
http://ec.europa.eu/energy/observatory/eu_27_info/doc/key_figures.pdf.
- M. Emerson. (2010), “Into Eurasia Monitoring the EU’s Central Asia Strategy”, (Brussels/Madrid: CEPS/FRIDE)
- Marcus, S. (2001) “Enlarging the Perspective: Energy Security via Equilibrium”, Information, and Computation, Science for Peace and Security Series C: Environmental Security, North Atlantic Treaty Organization, available at:
<http://www.springerlink.com/content/m7267wn8v2p22g18/fulltext.pdf> p. 71.
- Memorandum of Understanding between the Government of Iraq and the European Union on Strategic Partnership in Energy, 18 January 2010. Available at:
http://ec.europa.eu/energy/international/bilateral_cooperation/doc/iraq/2010_01_18_iraq_mou_en.pdf.
- Memorandum of Understanding on a strategic partnership between the European Union and the Republic of Azerbaijan in the field of energy. Available at:
http://ec.europa.eu/energy/international/international_cooperation/doc/mou_azerbaijan_en.pdf.
- R. Youngs (2009) supra note 7, p. 110; and A. Cohen, (2009a) “supra notes 7”, p. 118. Youngs wonders that if security was the main priority, the EU’s focus should rather have been on Tajikistan and Kyrgyzstan, rather than on the region’s energy powerhouses.
- R. Youngs, (2004), “Normative Dynamics and Strategic Interests in the EU”,s External Identity”, Journal of Common Market Studies 42(2), pp. 415-420.
- R. Youngs, (2007), “Europe’s External Energy Policy: Between Geopolitics and the Market”. CEPS Working Document 278. Brussels: CEPS, p.3.
- Robert O. Keohane and Joseph S. Nye Jr (1987) “Power and interdependence revisited”, international organization, (autumn1987), p.8
- S. Wood, (2009) “Energy Security”, Normative Dilemmas, and Institutional Camouflage: Europe’s Pragmatism, Politics and Policy 37(3), p. 619.
- “Statement of President Barroso on the resolution of the Ukraine-Russia Gas Dispute”. Press Point, Doc. SPEECH/09/12, Brussels, 20 January 2009. Available at: <http://europa.eu/rapid/pressReleasesAction>.
- World Economic Forum (2006) “The New Energy Security Paradigm”, World Economic Forum Energy Vision Update.p.22
http://epp.eurostat.ec.europa.eu/statistics_explained/index.php/Energy_production_and_imports, Data from March and May 2014.